

*Bi-Quarterly specialized-
scholarly journal Of Quranic
Studies Light of Revelation Vol.7,
No. 13,
Spring & Summer 2022
P 57 - 89*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س ۷ ش ۱۳ بهار و تابستان ۱۴۰۱
صفحات ۵۷ - ۸۹

مستندات قرآنی سیره اعتقادی شهدای مدافع حرم

محمد نظیر عرفانی *

چکیده

جهاد موضوعی است که اگر انسان مفهومش، هدف، انگیزه، آئین جهاد و شرائط آن را نفهمد و بر فضیلت و اهمیت آن آگاه نشود نمی تواند در زمان خطر برای دین، تکلیف خودش را روشن سازد، یا اینکه دقت نکردن در این موضوع و یا نفهمیدن مسائل جهاد ممکن است انسان را به طرف راه باطل سوق دهد و موجب ضعف اسلام شود کما آنکه در شکل گیری گروه‌های تکفیری و داعش این امر بسیار مشاهده می شود، لذا باید با اعتقادی صحیح و فهمی درست از مبانی قرآنی جهاد در مسیر جهاد گام برداشت، یافته های تحقیق حاضر که به شیوه توصیفی تحلیلی و با جمع آوری کتابخانه ای مطالب صورت پذیرفته حاکی از آن است که مدافعان حرم از جمله مجاهدانی هستند که با اتکا به مبانی اعتقادی قرآنی و تبعیت از آن مرزهای جغرافیایی و نژادی را در هم شکسته یاد آور مجاهدان صدر اسلام در دفاع از حریم اسلام ناب محمدی^(ع) و بقاع مبارک اهل بیت خاندان وحی^(ع) گردیده اند از مهم ترین مستندات سیره اعتقادی شهدای مدافع حرم می توان دفاع از حق بندگی خدا، تحقق حاکمیت الهی،

*. استاد یار جامعه المصطفی العالمیه: mna8181@yahoo.com

رستگاری، کمک به مستضعفان زیر سلطه، دفاع از پایگاههای توحید، دفاع از جان، مال و سرزمین های اسلامی، قدرتمند شدن اسلام و پیمون مسیر در راه خدا(سبیل الله) بر شمرد.

واژگان کلیدی: مدافع حرم، جهاد، قتال، شهدا، مستندات قرآنی.

مقدمه:

اسلام بر خلاف جهانخواران که برای کشور گشایی و بدست آوردن غنائم جنگی، انتقامجویی، جاه طلبی، بهره وری از منابع طبیعی و جغرافیایی بیشتر و تصرف و اشغال سرزمین های دیگران، اقدام به جنگ و فساد در زمین و اهلاک حرث و نسل میکنند، جنگ را تنها در راه خدا و اشاعه توحید و احیای حق و عدالت، مشروع می داند «و قاتلوا فی سبیل الله» نه اهدافی که جهانخواران، تعقیب می کنند(قربانی لاهیجی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۴۲)

در این تحقیق در پی آنیم که مستندات قرآنی سیره اعتقادی شهدای مدافع حرم را بررسی نماییم.

مفهوم شناسی

۱. جهاد

جهاد واژه ای عربی از ریشه «ج ه د» به معنای مشقت، تلاش، مبالغه در کار، به نهایت چیزی رسیدن و توانایی است.(فراهیدی، ۱۴۰۸، ذیل واژه) مهم ترین مفهوم اصطلاحی این واژه در متون دینی، همانند کاربرد عام آن، گونه ای خاص از تلاش است یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی های دیگر خود با هدف گسترش اسلام یا دفاع از آن.(ابن عابدین، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۱۷)

در متون دینی، علاوه بر این معنای خاص و اصطلاحی، جهاد به مفهوم لغوی و عام خود نیز بسیار به کار رفته است، مانند کاربرد تعبیر «جهاد اکبر» درباره مجاهدت و تلاش نفس در برابر شیطان و هوای نفس. (حر عاملی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۱۶۱)

در کتاب المنجد جهاد به معنای پیکار و برای حمایت از دین آمده است. (معلوف، ۱۳۸۰، ذیل واژه جهاد)

در کتاب مفردات قرآن اینطور آمده است: جهاد و مجاهده: به کار گرفتن نهایت توان و قدرت در جهت دفع دشمن. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ذیل واژه).

۲. حرم

واژه حرم از ریشه «ح رم» (به معنای ممنوع بودن)، گاهی به معنای اهل و عیال یک شخص یا محل اقامت‌شان است که آنها را از تعرض دیگران حفظ می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۴۳). در متون اسلامی، این واژه بیشتر درباره مکانی گرداگرد اماکن مقدس به کار می‌رود که ورود و حضور در آنها آداب ویژه‌ای دارد. مثلاً واژگان حرم یا حرم الله یا حرم مکی، معمولاً به منطقه‌ای در حریم خانه کعبه تا محدوده‌ای معین اطلاق می‌شود. (زبیدی، ۱۴۱۴، ذیل واژه) برخی، حرم نامیدن محدوده این اماکن را به دلیل محترم بودن آنها یا حرام بودن عمل به برخی کارها در آنها دانسته‌اند (بروجردی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۴۲۳)

در المنجد معنای حرم اینطور آمده است: الحَرَم (ح أحرام): آنچه انسان از آن حمایت و دفاع می‌کند، آنچه هتک حرمت آن جایز نیست. (معلوف، ۱۳۸۰، ذیل واژه حرم).

۳. شهید

شهادت در لغت به معنایی همچون حضور و مشاهده است. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۷۴) و در اصطلاح به معنای کشته شدن در راه خداوند است و کسی که در راه خدا کشته می‌شود، شهید نامیده می‌شود (عبدالرحمن، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۴۶) در فقه، شهید به مسلمانی اختصاص دارد که در میدان جنگ توسط کافران یا به سبب جنگ با آنها کشته می‌شود (همان) در تفسیر نمونه آمده است که شهادت یک معنای خاص و یک معنای عام دارد. معنای خاص آن همان معنای فقهی است و معنای عام آن این است که انسان در مسیر انجام وظیفه الهی کشته شود یا بمیرد. از این رو در روایات، طالب علمی که در حال طلب علم از دنیا برود، کسی که در بسترش بمیرد، در حالی که به خدا، پیامبر و اهل بیتش معرفت داشته باشد، کسی که برای دفاع از مالش در برابر مهاجمان کشته شود و... شهید دانسته شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲۱، ص ۴۰۷).

۴. مدافعان حرم

مدافعان حرم در واکنش به حمله گروه‌های تندرو تکفیری به سمت حرم حضرت زینب (س) شکل گرفت. ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۲ ش، گروه تروریستی تکفیری جبهه النصره شاخه القاعده در سوریه، علاوه بر نیش قبر حجر بن عدی، (www.mehrnews.com) تهدید به تکرار این اقدام در حرم حضرت زینب (س) کرد. سید حسن نصرالله، در اولین واکنش‌ها، ضمن آنکه حمله به حرم حضرت زینب را دارای پیامدهای بسیار خطرناک دانست، از کسانی سخن گفت که در حال دفاع از حرم حضرت زینب هستند و در این راه به شهادت می‌رسند. (www.mehrnews.com).

مستندات قرآنی سیره اعتقادی

۱. دفاع از حق بندگی خداوند

یکی از اهداف مهم اسلام از تشریح جهاد دفاع از حق بندگی خداوند است؛ که با توجه به نکاتی که بررسی خواهد شد، این هدف آشکار می شود که مدافعین حرام برای ادای این حق به جهاد روی آورده اند.

۱. خداوند بر بشریت حق بندگی و عبادت دارد.

البته خداوند هیچ نیازی به عبادت بندگان ندارد. او بی نیاز مطلق است و در واقع، نتایج عبادت نیز به خود بشر بر می گردد. انسان با شناخت این حق و انجام وظیفه بندگی خویش به کمال می رسد، چرا که وصول به کمال برای انسان تنها در سایه بندگی خداوند میسر است. بنابراین از این منظر، جهاد دفاع از انسانیت انسان است.

۲. جهاد از اعمال عبادی است و باید با نیت تقرب به خدا انجام شود. مهم ترین ویژگی جهاد، آن گونه که از قرآن و روایات استفاده می شود _ فی سبیل الله - بودن آن است. هر اقدام نظامی که فاقد این ویژگی باشد و یا به روشی انجام شود که رضایت الهی در آن نباشد، جهاد فی سبیل الله نیست، نه کشته های آن شهید هستند و نه رزمندگان آن مجاهد فی سبیل الله.

مجاهد باید به نیت نصرت دین الهی و گسترش آن میان مردم و به نیت امتثال امر الهی جهاد کند. همان گونه که ریا موجب بطلان نماز است و اثری برای آن باقی نمی گذارد، جهاد ریایی نیز در نزد خدا هیچ فایده ای نخواهد داشت. جهادی که با نیت های غیر الهی انجام شود هر چند ممکن است موجبات پیشرفت اسلام را فراهم نماید ولی هیچ فایده ای برای ریاکار به همراه نخواهد داشت، امام موسی بن جعفر^(ع) در این باره می فرماید: «ان الله عزوجل ينصر هذا الدين باقوام لاخلاق لهم» (کلینی، ۱۳۶۶، ج ۵،

ص ۱۹) در این کلام امام می فرمایند که خداوند این دین را در برابر اقوام دیگر به وسیله اخلاقشان یاری می کند.

در زمان خلفای سه گانه و در عصر امویان، اسلام به دست همین خلفا و سلاطین به فتوحات بزرگی دست یافت و به دست آنها گسترش پیدا کرد ولی هیچ بهره الهی نصیب آنان نشد.

۳. در طول تاریخ مستکبران در مقابل کسانی که می خواستند خدا را عبادت کنند با ایجاد موانع جلوی مردم را می گرفتند و تلاش می کردند که از جهل و بی خبری مردم به نفع خود استفاده کنند

۴. جهاد به عنوان یکی از مهمترین عبادت های اسلامی، مستکبران و متجاوزان به حق بندگی خداوند را مورد هدف قرار می دهد، نه توده جاهل و مستضعف را. خداوند جهاد را واجب کرده تا اولاً مستکبران سرکوب شوند و انسان های در ضعف نگه داشته شده رهایی یابند و ثانیاً کسانی که در جهالت گرفتار شده اند رهایی یابند.

۵. در اسلام جهاد برای کشور گشایی و توسعه قدرت شخصی تشریح نشده است؛ بنابراین جهاد یک اقدام رهایی بخش است نه اقدامی ستیزه جویانه. به همین منظور، در صورتی که امکان وصول به اهداف جهاد از طریق غیر نظامی میسر باشد، نباید به جنگ متوسل شد و اصولاً لزوم دعوت کفار به اسلام قبل از جنگ به همین دلیل واجب شده است

۶. به دلیل ویژگی های یاد شده، اسلام به هر کس اجازه نمی دهد که فرماندهی جهاد را به عهده بگیرد، بلکه کسی اجازه فرماندهی دارد که در درجه اول معصوم باشد و کسانی هم که در عصر غیبت جهاد را جایز دانسته اند این امر

را تنها بر عهده فقهای عادل و خودساخته دانسته اند و بر این نکته تأکید کرده اند که زیر پرچم هر کس غیر از آنها رفتن به معنای قبول سلطه طواغیت است.

سید عبد الاعلی سبزواری با اینکه جهاد را در عصر غیبت جایز می داند، می نویسد: کسی که جهاد را رهبری کند باید به قدری خود ساخته و مقام والای معنوی داشته باشد که مصالح نوعیه به وی الهام شود. (سبزواری، ۱۳۷۵، ج ۱۵، ص ۷۸)

از مقدمات مزبور این نتیجه به دست می آید که جهاد فی سبیل الله نه تنها نبرد تجاوزکارانه نیست، بلکه اقدامی انسان دوستانه است و هدف از آن گسترش حاکمیت الهی و نفی حاکمیت طواغیت و مبارزه با ظلم و بی عدالتی است و در نهایت جهاد یعنی جنگ عادلانه و مقدس برای تحقق ارزش های والای الهی. (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۴۳)

علامه طباطبایی می نویسد: غرض از جهاد اقامه دین و اعلاهی کلمه الله است بنابراین، جهاد عبادتی است که در آن قصد قربت شرط است. جهاد برای برتری جویی بر اموال و اعراض دیگران نیست، بلکه برای دفاع از حق انسانیت واجب شده و دفاع ذاتا محدود است، در حالی که تجاوز خروج از حد است. به همین دلیل، آیه می فرماید: «لا تعدوا ان الله لا يحب المعتدین» (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ص ۶۳).

پس با توجه به این مطالب در می یابیم که جهاد در واقع دفاع از حق بندگی خداوند است و جهاد از اعمال عبادی است که باید با نیت قربت به خداوند صورت گیرد و نیت مجاهد باید نصرت دین الهی و گسترش آن در میان مردم باشد و در واقع جهاد امر و اقدامی انساندوستانه است که هدف اصلی آن گسترش حاکمیت الهی و مبارزه با ظلم است.

۲. تحقق حاکمیت الهی

بندگی خداوند و تحقق زمینه های مناسب سیر به سوی کمال و سعادت برای تمام انسان ها جز از طریق تحقق حاکمیت الهی امکان پذیر نیست. یکی از اهداف تشریح جهاد، اعمال حاکمیت الهی و نابودی حکومت های طاغوتی است که بر اساس خواسته های نفسانی بر مردم حکومت می کنند. بر این اساس، خداوند در قرآن به مومنان دستور می دهد تا زمان ریشه کن شدن کفر و شرک و تحقق حاکمیت الهی جهاد کنند: « وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيُكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ » (بقره ۱۹۳) «و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد.» مدافعین حرم به همین جهت در مسیر جهاد گام برداشته اند. منظور از « فتنه » به قرینه « و یكون الدین لله » و روایاتی که از معصومین (ع) ذیل آیه نقل شده (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۸۷؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۹۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷۲) شرک است و منظور از انتها از دست برداشتن « فان اتھوا » از شرک دست کشیدن و توبه کردن و به اسلام روی آوردن است.

پس با توجه به آیه شریفه می فهمیم که هدف اسلام از جنگ، کشور گشایی و کسب غنائم یا انتقام گیری نیست، بلکه غرض از جنگ و جهاد در اسلام، بر چیده شدن بساط شرک و کفر است. فتنه به معنای شرک، کفر، آزمایش و شکنجه آمده است. در این آیه می فرماید: اگر مشرکان دست از فتنه (شرک) برداشتند، دیگر با آنها دشمنی و جنگ نخواهد شد.

و همچنین بر اساس آیه شریفه « هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ

الدِّينِ كُلِّهِ » (توبه ۳۳)

«او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند»، تا زمان غلبه دین (اظهار به معنای غلبه است) باید مسلمانان به جهاد ادامه دهند و غلبه دین به این است که کفار یکی از دو راه را انتخاب کنند: یا مسلمان شوند و یا اگر بر کفر خود باقی می‌مانند حاکمیت اسلام را بپذیرند.

اسلام در عین اینکه آزادی عقیده را محترم می‌شمرد و هیچ کس را با اجبار دعوت به سوی این آیین نمی‌کند، به همین دلیل به اقوامی که دارای کتاب آسمانی هستند، فرصت کافی می‌دهد که با مطالعه و تفکر آیین اسلام را بپذیرند و اگر نپذیرفتند، با آنها به صورت یک اقلیت هم پیمان (اهل ذمه) معامله می‌کند و با شرایط خاصی که نه پیچیده است و نه مشکل با آنها همزیستی مسالمت‌آمیز برقرار می‌نماید، در عین حال نسبت به شرک و بت پرستی، سختگیر است زیرا: شرک و بت پرستی نه دین است و نه آیین و نه محترم شمرده می‌شود، بلکه یک نوع خرافه و انحراف و حماقت و در واقع یک نوع بیماری فکری و اخلاقی است که باید به هر قیمت که ممکن شود آن را ریشه‌کن ساخت.

کلمه آزادی و احترام به فکر دیگران در مواردی به کار برده می‌شود که فکر و عقیده لا اقل یک ریشه صحیح داشته باشد، اما انحراف و خرافه و گمراهی و بیماری چیزی نیست که محترم شمرده شود و به همین دلیل اسلام دستور می‌دهد که بت پرستی به هر قیمتی که شده است حتی به قیمت جنگ، از جامعه بشریت ریشه کن گردد. بت خانه‌ها و آثار شوم بت پرستی اگر از طرق مسالمت‌آمیز ممکن نشد با زور ویران و منهدم گردند

آری اسلام می‌گوید باید صفحه زمین از آلودگی به شرک و بت پرستی پاک گردد و به همه مسلمین نوید می‌دهد که سرانجام توحید و یکتا پرستی به تمام جهان حاکم

خواهد شد و شرک و بت پرستی ریشه کن خواهد گشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۸).

۳. رستگار شدن در بارگاه الهی

قرآن می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیله وجاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون» (مائده / ۳۵) «ای کسانی که در زمره مؤمنین در آمده‌اید، از خدا پروا داشته باشید و در جستجوی وسیله‌ای برای نزدیک شدن به ساحتش - که همان عبودیت و به دنبالش علم و عمل است برآئید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار گردید».

در این آیه روی سخن به افراد با ایمان است و به آنها سه دستور برای رستگار شدن داده شده: نخست می‌گوید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید: تقوا و پرهیزگاری پیشه کنید. سپس دستور می‌دهد که وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمائید.

و سرانجام دستور به جهاد در راه خدا می‌دهد. « و جاهدوا فی سبیله»، و نتیجه همه آنها این است که در مسیر رستگاری قرار گیرید. « لعلکم تفلحون».

موضوع مهمی که در این آیه باید مورد بحث قرار گیرد دستوری است که در باره انتخاب وسیله در این آیه به افراد با ایمان داده شده است؛ و این دستور همان است که مدافعین حرم بدان عمل نموده و آن وسیله را انتخاب نموده اند: وسیله در اصل به معنی تقرب جستن و یا چیزی است که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می‌شود.

بنابراین وسیله در آیه فوق معنی بسیار وسیعی دارد و هر کار و هر چیزی را که باعث نزدیک شدن به پیشگاه مقدس پروردگار می‌شود شامل می‌گردد که مهمترین آنها ایمان به خدا و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و جهاد و عبادات همچون نماز و زکات و

روزه و زیارت خانه خدا و همچنین صلّه رحم و انفاق در راه خدا اعم از انفاقهای پنهانی و آشکار و همچنین هر کار نیک و خیر می‌باشد (شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۶۴).

همانطور که امام علی علیه السلام در نهج البلاغه فرموده است: «ان افضل ما توسل به المتوسلون الی الله سبحانه و تعالی الایمان به و برسوله و الجهاد فی سبیله فانه ذرّه الاسلام...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹)؛ بهترین چیزی که به وسیله آن می‌توان به خدا نزدیک شد ایمان به خدا و پیامبر او و جهاد در راه خدا است که قله کوهسار اسلام است»

راغب در مفردات می‌گوید: کلمه وسیله به معنای رساندن خود به چیزی است با رغبت و میل و این کلمه از نظر معنا خصوصی‌تر از کلمه وصیله است، برای اینکه در وسیله معنای رغبت نیز خوابیده، ولی در وصیله چنین نیست و بیش از رساندن به چیزی دلالت ندارد، چه اینکه این رساندن با رغبت باشد و چه بدون رغبت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ذیل واژه وسیله)، خدای تعالی در قرآن کریم فرموده: وابتغوا الیه الوسیلة و حقیقت وسیله به درگاه خدا مراعات راه خدا است، به اینکه اولاً به احکام او علم پیدا کنی و در ثانی به بندگی او بپردازی و ثالثاً در جستجوی مکارم و عمل به مستحبات شریعت باشی و این وسیله معنایی نظیر معنای کلمه قربت را دارد و چون وسیله نوعی توصل است و توصل هم در مورد خدای تعالی - که منزّه از مکان و جسمانیت است - توصل معنوی و پیدا کردن رابطه‌ای است که بین بنده و پروردگارش اتصال برقرار کند و نیز از آنجا که بین بنده و پروردگارش هیچ رابطه‌ای به جز ذلت عبودیت نیست، قهراً وسیله عبارت است از اینکه انسان حقیقت عبودیت را در خود تحقق دهد و به درگاه خدای تعالی وجهه فقر و مسکنت به خود بگیرد، پس وسیله در

آیه شریفه همین رابطه است و اما علم و عمل که راغب کلمه را به آن معنا گرفته از لوازم معنای وسیله و از ادوات رساندن خود به حقیقت عبودیت است و این بسیار واضح است، مگر آنکه راغب خواسته باشد علم و عمل را بر خود این حالت اطلاق کند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۵۳۱).

از همین جا روشن می‌شود که مراد از جمله: و جاهدوا فی سبیلہ مطلق جهاد است، یعنی اعم از جهاد با نفس و جهاد با کفار است، برای اینکه این جمله متصل به جمله قبل است که در آن وسیله عبارت بود از مطلق هر چیزی که بنده را با پروردگارش مرتبط می‌سازد و دلیلی هم در کلام نیست که خصوص این جمله را مقید کند به جهاد با کفار، علاوه بر این دو آیه بعدی هم که مشتمل بر تعلیل است با این معنا که مراد از جهاد مطلق جهاد باشد مناسب‌تر است.

و با این حال ممکن هم هست که بگوئیم مراد از جهاد، قتال با کفار است، از این نظر که در جمله مورد بحث جهاد مقید شده به قید در راه خدا و در قرآن کریم هر جا که سخن از امر به معروف آمده و دنبالش جهاد با کفار ذکر شده در آنجا جهاد مقید شده به جهاد در راه خدا، به خلاف مواردی که منظور از کلمه جهاد اعم از قتال با کفار و جهاد با نفس بوده که در آن موارد قید نامبرده نیامده مانند آیه زیرا که می‌فرماید: «و الذین جاهدوا فینا لنهذبهم سبلنا و ان الله لمتع المحسنین»، بنابر این، امر به جهاد در راه خدا و قتال با کفار، بعد از امر به ابتغای وسیله به سوی خدا از باب امر به خاص بعد از امر به عام است تا اهتمام گوینده را نسبت به خاص بفهماند و ای بسا که امر به ابتغای وسیله به سوی خدا بعد از امر به تقوا نیز از همین قبیل یعنی از باب ذکر خاص بعد از عام باشد (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۵۳۶).

با توجه به مطالب که ذکر شد و اینکه امر به جهاد پس از (ابتغوا الیه الوسیله) آمده می تواند بیانگر این معنا باشد که بهترین مصداق وسیله تقرب به خدا، مبارزه با دشمنان دین است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۶۸)

همچنین در آیه مورد بحث فلاح و رستگاری - افزون بر تقوا پیشگی و تقرب به خداوند - دستاورد جهاد در راه خدا نیز تلقی شده است. (تقی زاده اکبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۶۶)

۴. دعوت به بندگی خداوند و دفع موانع تبلیغ دین الهی

قرآن می فرماید: « وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ » (بقره ۱۹۳) «و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید! زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست»

خداوند علاوه بر آنکه رسولی در درون هر انسان برای هدایتش به سوی خیر و صلاح قرار داده، رسولانی نیز در بیرون برای این منظور تعیین کرده است؛ اما بشریت نتوانسته از نعمت رسولان به راحتی استفاده و فیض ببرد؛ زیرا همیشه کسانی که منافعشان با هدایت های آنها به خطر می افتاد با بکار گیری امکانات خود به مقابله با پیامبران می پرداختند؛ و تعداد بسیار زیادی از پیامبران الهی آزار و اذیت شدند و بسیاری هم جان خود را در راه هدایت مردم از دست دادند. بر اساس آیه شریفه ذکر شده، خداوند به مومنان نیز دستور داده است اگر همچنان کفار به شرارت خود ادامه دادند با آنها بجنگید، اما اگر دست از توطئه برداشتند شما هم دست نگه دارید، به همین جهت است که مدافعین حرم به پاخواستند تا شرارت کفار و مشرکین را بی

پاسخ نگذاشته و آنها را از انجام مقاصد شوم خود باز دارند کما اینکه آیه ذیل نیز به این هدف جهاد دلالت دارد:

« يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَمَا لِي بِهِ مِنْ عَمَلٍ إِنَّهُ يَرْجُوا كَفْرًا وَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره / ۲۱۷)

از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می کنند؛ بگو: «جنگ در آن، (گاهی) بزرگ است؛ ولی جلوگیری از راه خدا (و گرایش مردم به آیین حق) و کفر ورزیدن نسبت به او و هتک احترام مسجد الحرام و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است؛ و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان بازمی دارد) حتی از قتل بالاتر است. و مشرکان، پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند؛ ولی کسی که از آیینش برگردد و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته) او، در دنیا و آخرت، بربادمی رود؛ و آنان اهل دوزخند؛ و همیشه در آن خواهند»

آیت الله مکارم می نویسند: «اسلام اجازه می دهد که اگر کسانی با اعمال خود جلو آزادی عمل مسلمانان را در نشر و تبلیغ و دعوت به اسلام بگیرند آنها حق دارند متوسل به جهاد آزادی بخش شوند و راه را برای تبلیغ منطقی بگشایند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۱۶۶).

البته باید ذکر کرد که مراد از (فتنه) در آیه مورد بحث بنابر نظر برخی از مفسران شرک و بت پرستی است که مشرکان مکه دچار آن بودند و دیگران را نیز به این امر وادار می کردند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۶۲)؛ و عبارت (و یكون الدين لله) بر این

احتمال دلالت می کند (فخر رازی ۱۴۲۳، ج ۵، ص ۱۳۳)؛ و خداوند متعال در این آیه غایت و هدف و جوب جنگ با مشرکان را بیان می کند که از بین بردن شرک است. (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۱۳)

و همچنین با توجه به روایات هم این نکته فهمیده می شود که از اهداف جهاد دعوت به بندگی خداوند می باشد:

روایتی هست که امام جعفر (ع) آنرا نقل کرده اند: عن ابی عبد الله ه (ع) قال: قال أمير المؤمنين (ع) بعثني رسول الله (ص) الى اليمن فقال: يا علي لا تقتلن احدا حتى تدعوه الى الاسلام و... (حر عاملی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۳۰)؛ از امام جعفر (ع): امام علی (ع) فرمود: وقتی رسول خدا (ص) مرا به سوی مردم یمن گسیل داشت فرمودند: ای علی! با کسی جنگ مکن مگر اینکه ابتدا او را به سوی اسلام دعوت کرده باشی.

در این حدیث همانطور که ملاحظه می شود، رسول خدا (ص) صریحا امام علی (ع) را امر می کند که قبل از دعوت دشمن به اسلام، با آنان به جنگ نپردازد و این می رساند که در جهاد هدف اصلی دعوت به بندگی خدا است.

۵. کمک به مستضعفان زیر سلطه کفار

مستضعف در اصطلاح فقهی و قرآنی به معنای فقیر و فاقد زندگی مناسب نیست، بلکه کسی است که بدون داشتن هیچ گونه عنادی صرفا به دلیل نشنیدن پیام حق کافر شده است، صرف نظر از اینکه از نظر اقتصادی دارا باشد یا نادار، طبق این مفهوم، بسیاری از مخترعان، صاحبان اندیشه و حتی بسیاری از سرمایه داران، مستضعف محسوب می شوند. از سوی دیگر مسلمانان و غیر مسلمانانی که تحت ظلم و ستم کفار و مشرکین قرار می گیرند نیز شامل این بحث می شود در سرزمینهایی که مدافعین حرم

حضور داشتند شاهد بودیم که نه تنها مسلمانان بلکه غیر مسلمانان نیز از ظلم گروه‌های تکفیری در امان نبودند و این مدافعین حرم بودند که امنیت را به آنها به ارمغان آوردند

قرآن می‌فرماید: مستضعفان با زبان حال خود از خدا می‌خواهند تا آنها را از تحت قدرت زمامداران ظالم نجات دهد و حکومت الهی و دینی را یار و یاور آنان نماید: « وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا » (نساء/۷۵) چرا در راه خدا و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، بیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما»

(قریه) در اصطلاح قرآنی به معنای مرکز حاکمیت است. طبق این آیه شریفه، یکی از اهداف جهاد نجات مستضعفان از زیر یوغ ظالمان معرفی شده است.

خداوند در قرآن وعده داده است که زمانی فرا خواهد رسید که در آن مستضعفان رهبری جهان را به دست خواهند گرفت: « وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ » (قصص / ۵) «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم»

واژه (نرید) حکایت از قانون تکوینی خداوند دارد، یعنی اراده تکوینی خدا بر این تعلق گرفته است که در نهایت رهبری جهان به دست کسانی بیفتد که پیام اسلام را نشنیده‌اند، اما به محض آگاهی از اسلام تسلیم می‌شوند. آنها در ایمان خود آن قدر صادق و پابرجا خواهند بود که صلاحیت بر عهده گرفتن رهبری جهان را پیدا میکنند. از این رو، بعید نیست در زمان ظهور حضرت حجت (عج) مسلمانان سایر قاره‌ها و

کشورهای غیر اسلامی هم در رکاب حضرت پرچم هدایت و رهبری جامعه بشری را به دست بگیرند. چنان که ممکن است بسیاری از مستضعفان فکری، جزو عباد صالحی باشند که تحت زعامت آن حضرت حکومت جهان را به دست خواهند گرفت: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/۱۰۵) در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!»

و همچنین در مورد آیه ۷۵ سوره نساء باید متذکر شد که: واژه (مستضعفین) بر واژه جلاله (الله) عطف شده است (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۴۱۹) و مراد از جنگ در راه مستضعفان - به قرینه ادامه آیه - جنگیدن برای رهایی آنان از چنگال ستمگران است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۱، ج ۳، ۴۷۰).

جمله «و ما لکم لا تقاتلون» بر وجوب جهاد دلالت دارد. (فخر رازی، ۱۴۲۳، ج ۱۰، ص ۱۸۱) و بدین معنا است: اینک که (به دلیل گرفتاری مستضعفان در دست ستمگران) اسباب لزوم جنگ فراهم شده است، عذری در ترک جهاد ندارید. (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۱۶).

صاحب تفسیر مجمع البیان نوشته است: مراد از (مستضعفین) گروهی از مسلمانان هستند که مشرکان مکه آنان را اذیت می کردند و مانع هجرت آنان به مدینه می شدند.

طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۱۷)

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمودند: مقصود از مستضعفینی که در تحت حکومت ظالمند، ما هستیم؛ و امام صادق (ع) در پاسخ به اینکه مستضعفین چه کسانی هستند؟ فرمودند: کسانی که نه مؤمن هستند و نه کافر (عیاشی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۵۷)

بنابر دلالت این آیه، مؤمنان باید برای رهایی مستضعفان مسلمان جهاد کنند و این، جهادی ابتدایی خواهد بود. بنابر این، معلوم می شود که یکی از اهداف جهاد ابتدایی، رهایی مستضعفان مسلمان از دست ستمگران است.

۶. مبارزه با پیمان شکنی کفار

آیاتی از قرآن کریم علت قتال با کفار را نه کفر آنها، بلکه خصلت پیمان شکنی آنان معرفی می کنند: «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهُمْ أَوْ بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (توبه ۱۲/۱۳) و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آنها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند! آیا با گروهی که پیمانهای خود را شکستند و تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند، پیکار نمی کنید؟! در حالی که آنها نخستین بار (پیکار با شما را) آغاز کردند؛ آیا از آنها می ترسید؟! با اینکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید!

در مورد رمز و هدف از تحریک مکرر مسلمین در این دو فراز که می فرمایند: «أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ...» «أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ» برخی از مفسرین گفته اند: نظر به این که گروهی از مؤمنین وقتی که دیدند مکه فتح گردید و از ناحیه مشرکین خطری احساس نمی کنند، از این رو در اقدام به جنگ با مشرکین حالت بی میلی پیدا کردند و برخی از منافقان نیز بر این حالت دامن می زدند و لذا خداوند با استفاده از درصدهای تحریک آنها به جنگ با این ستون پنجم - که عملکرد گذشته آنها نشاندهنده خبث طینت و استمرار توطئه آنها

بود- بر آمد تا برای همیشه جامعه اسلامی از نشر این گروه خرابه کار و افکار پست و خرافی آنان رهایی یابد. (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۲۳۴)

از طرفی با توجه به اینکه آیه مبارکه می فرماید: «فقاتلوا ائمه الکفر» در می یابیم که چون پیمان شکنی و مسخره کردن دین از ناحیه ی رهبران کفر است، پس با آنان مبارزه کنید. (محسن قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۶)

«وَأِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال ۵۸/)
 «و هرگاه (با ظهور نشانه‌هایی)، از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، بطور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی‌دارد!»

خیانت به معنای پیمان شکنی در چیزی است که پیمان شکن در آن امین دانسته شده است. (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۸۹۴)

همچنین معنای خوف، آشکار شدن نشانه‌هایی دال بر وقوع امری است که باید حتما از آن دوری کرد و برحذر بود. از این رو، معنای آیه این است که ای پیامبر، اگر از قومی که با آنان پیمان بست، بیم داشتی که به تو خیانت و پیمانشان را نقض کنند و دیدی آثار پیمان شکنی شان آشکار گشت، تو نیز عهدشان را نزدشان بینداز و آن را لغو کن. (طباطبایی، ۱۳۸۱، ذیل آیه ۵۸ سوره انفال)

در این آیات خداوند از پیامبر (ص) می خواهد با کافرانی که به عهد خود وفادار نیستند و خوف خیانت آنها وجود دارد بجنگد. البته در این صورت هم مسلمانان نباید غافلگیرانه اقدام به جنگ کنند، بلکه باید هر گونه اقدام بر علیه آنها با اعلام قبلی باشد، چرا که چنین اقدامی خود خیانت است و خداوند خیانتکاران را دوست نمی‌دارد.

مفهوم آیه این است که اگر آنان به عهد خود وفادار ماندند و خوف خیانت آنها وجود نداشت، باید به عهد خود با آنان وفادار بمانید. (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ص ۱۱۶)

۷. دفاع از پایگاه های توحید و بندگی خدا

قرآن می فرماید: « وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوْمِعُ وَ بَيْعُ وَ صَلَوَتُ وَ مَسْجِدُ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ » (حج/ ۴۰) «و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است.»

شاهد هستیم که در مناطق مختلف عراق و سوریه پایگاه‌های توحید و بندگی و امکان متبرکه با کج اندیشی و انحراف فکری گروه‌های تروریستی منهدم می‌گشتند در حالی که این اماکن محل بندگی و عبادت مردم به شمار می‌رفتند با توجه به اینکه همه بنده خدا هستند و مخلوق او و حق بندگی دارند، بنابراین، دفع موانع بندگی خداوند بر بندگانش واجب است و هدف جهاد بندگان نیز باید دفع این موانع باشد.

و در واقع از اهداف مهم جهاد در اسلام، جهاد در برابر طاغوت‌هایی است که قصد

محو نام خدا را از دلها و ویران ساختن معابدی که مرکز بیداری افکار است دارند.

در برابر این گروه نیز باید بپا خواست تا نتوانند یاد الهی را از خاطره‌ها محو کنند،

مردم را تخدیر نموده، بنده و برده خویش سازند.

این نکته نیز قابل توجه است که ویران کردن معابد و مساجد، تنها به این نیست

که با وسائل تخریب به جان آنها بیفتند و آنها را در هم بکوبند، بلکه ممکن است از

طرق غیر مستقیم وارد شوند و آنقدر سرگرمیهای ناسالم فراهم سازند و یا تبلیغات سوء کنند که توده مردم را از معابد و مساجد، منحرف نمایند و به این ترتیب آنها را عملاً به ویرانه‌ای تبدیل کنند.

بنابر این آنها که می‌گویند: چرا اسلام اجازه داده است که مسلمانان با توسل به زور و نبرد مسلحانه، مقاصد خود را پیش ببرند؟ چرا با توسل به منطق هدفهای اسلامی پیاده نمی‌شود؟ پاسخشان از آنچه در بالا گفتیم به خوبی روشن می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۱۱۹).

آیا در برابر ظالم بیدادگری که مردم را به جرم گفتن لا اله الا الله از خانه و کاشانه‌شان آواره می‌سازد و هستی آنها را تملک می‌کند و پایبند به هیچ قانون و منطقی نیست می‌توان با حرف حساب ایستاد! آیا در برابر چنین دیوانگان بی منطق جز با زبان اسلحه می‌توان سخن گفت؟ آیت الله مصباح یزدی در مورد این هدف از جهاد می‌نویسند: «آیه شریفه فوق (حج/۴۰) به وضوح نشان می‌دهد که اگر بعضی از انسان‌ها در مقابل بعضی دیگر قیام نمی‌کردند و مانع توسعه طلبی و فساد و ویران‌گری آنها نمی‌شدند، معابد و پرستش‌گاههای زمین ویران می‌شد زیرا که قدرت‌مندان و سلطه‌طلبان اهل حق را آزاد نمی‌گذارند تا در پی کار خود باشند و زندگی مستقلی داشته باشند، بلکه پیوسته در تلاشند تا آنان را به اطاعت و بردگی خود وادار کنند. و خداوند متعال برای اینکه کار خداپرستان به اینجا نکشد و اهل حق لگد کوب و پایمال قدرت‌طلبان مفسده‌جو نشوند، چنین مقرر فرموده که راهی پیش اهل حق باز باشد تا سهمی از قدرت هم به طرفداران و پیروان حق برسد، چرا که اصولاً خداوند، جهان و هر چه که در آن است را برای آنان آفریده است.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۴۸ و ۴۹)

حضرت علی (ع) می فرمایند: «ان الجهاد اشرف الاعمال بعد الاسلام و هو قوام الدین و الاجر فيه عظیم مع العزة و المنعة و هو الكرامة، فيه الحسنات و البشری بالجنه بعد الشهادة» (عروسی حویزی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۰۸ و ۴۲۹) همانا جهاد شریفترین کارها بعد از اسلام است. جهاد مایه پایداری دین است و علاوه بر آن که عزت و اقتدار می آورد اجری بزرگ دارد. جهاد، یورش آوردن است. در آن نیکیها و ثوابها و نوید به بهشت است بعد از رسیدن به شهادت.

در حدیث امام علی (ع) می بینیم که جهاد مایه پایداری دین معرفی شده که عزت و اقتدار برای دین بدنبال دارد.

۸. دفاع از جان و سرزمین و اموال مظلومان

قرآن می فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَتِّلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ» (حج ۴۰/۳۹) به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست. همانها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!»

این آیات شریفه دفاع را برای خود مظلومان تجویز می کند، اما از عموم تعلیل، عموم حکم استفاده می شود. به این ترتیب، قرآن از مسلمانان می خواهد که هم در راه خدا و هم مستضعفان مظلوم، جهاد کنند و اصولاً این دو از هم جدا نیستند و با توجه به اینکه در آیه فوق قید و شرطی نیست، این مظلومان و مستضعفان در هر نقطه جهان، باشند، باید از آنها دفاع کرده نزدیک و دور، داخل و خارج کشور تفاوت نمی کند.

آیه شریفه در واقع یکی از مهم ترین مبانی اعتقادی شهدای مدافع حرم است که برای دفاع از جان و مال و ناموس مسلمین از جان خویش گذشتند و برای حمایت از مظلومان به پا خواستند زیرا که حمایت از مظلومان در مقابل ظالمان در اسلام یک اصل است که باید مراعات شود، حتی اگر به جهاد منتهی گردد، اسلام اجازه نمی‌دهد مسلمانان در برابر فشارهایی که به مظلومان جهان وارد می‌شود بی تفاوت باشند و این دستور یکی از ارزشمندترین دستورات اسلامی است که از حقانیت این آیین خبر می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۹). پس نجات مظلومان یکی از فلسفه های جهاد است.

از امام علی (ع) در این مورد چنین نقل شده است که فرمودند: «و ان مسیری هذا لمثلها فلا تقب الباطل حتی یخرج الحق من جانبه مالی و لقیریش و الله لقد قاتلتهم کافرین و لا قاتلنهم مفتونین و انی لصاحبهم بالأمس کما انا صاحبهم الیوم» (دستی، ۱۳۹۱، خطبه ۳۳)؛ چنان که می بینیم امام (ع) در روایت می فرماید که: مسیر و حرکت من به سوی جهاد فی سبیل الله و گرفتن حق مظلوم از ظالم است نه کشور گشایی و سلطه گرایی و ریاست. پس با اهل باطل می جنگم تا آنکه باطل نابود و حق جایگزین آن گردد و ظلمت از بین برود تا حقیقت و روشنایی بر همه آشکار گردد، مرا با قریش چه کار است آنها هم انسان و برادر خلقتی من هستند؛ و لیکن جنگ و قتال من با آنها در زمان قبل به خاطر فتنه و آشوبی است که بر پا کرده اند و آسایش را از مسلمین و ملت زائل نموده اند و الا قبلا من صاحب و یار آنها بوده ام و تا وقتی که آرام بودند و ظلم و تعدی نمی کردند از آنها دفاع می کردم. همچنین امروز هم اگر دست از فتنه و آشوب بردارند صاحب و دوست آنها خواهم بود و چنانچه بخواهند متجاوزین بر آنها تجاوز کنند همانند مسلمین از ایشان دفاع می کنم.

از امام صادق (ع) در ضمن حدیثی بعد از ذکر آیه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا» فرمودند: «و بحجة هذه الآية يقاتل مؤمنوا كل زمان (حر عاملی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۲۷)؛ به دلیل این آیه مؤمنان هر زمان پیکار و دفاع می‌کنند».

در مورد جهاد برای این هدف که وظیفه مسلمین در دنیای کنونی که از هرسو مسلمانان و مقدسات اسلامی در معرض هجوم و هتک قرار دارند چیست؟ امام خمینی علیه الرحمه می‌فرمایند: «ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، به پا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزاین سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلاف و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۹)

۹. قدرتمند شدن اسلام در برابر دشمنان داخلی و خارجی

دولت و امت اسلامی در تمام عرصه‌ها از جمله در عرصه نظامی باید قدرت برتر باشد. تا دشمنان قصد نابودی اسلام و مسلمانان را در سر نپروانند. جهاد یکی از راه‌های تقویت قدرت نظامی است.

«فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفِ بِأَسِ الدِّينِ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا» (نساء/ ۸۴) «در راه خدا پیکار کن، تنها مسئول وظیفه خود هستی و مومنان را (بر این کار) تشویق نما، امید است خداوند از قدرت کافران جلوگیری کند (حتی اگر تنها خودت به میدان بروی) و خداوند قدرتش بیشتر و مجازاتش دردناکتر است.»

(فاء) در (فقاتل) برای تفریع این آیه به مضمون آیات پیشین یعنی سستی ورزیدن و کوتاهی کردن برخی مسلمانان در امر جهاد یا دشمن است. از این رو، معنای آیه این است: اینک که مردم در امر جهاد سستی می ورزند و جنگ با دشمنان را خوش ندارند. تو ای پیامبر، خود به تنهایی با دشمن جهاد کن (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۲۵-۲۶).

در واقع خداوند در این آیه پیامبر را - هر چند تنها باشد و کسی او را یاری نکند - مأمور به جهاد کرده و تخلف ایشان را از آن جایز ندانسته است (فخر رازی، ۱۴۲۳، ج ۱۰، ص ۲۰۴).

از امام صادق (ع) نیز روایت شده: (خداوند پیامبر را به تکلیفی امر کرده است که دیگری را - نه پیش از حضرت و نه پس از ایشان - بدان مأمور نکرده است) (عروسی حویزی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۱۴)

امام باقر (ع) فرمودند: پس از نزول این آیه پیامبر اکرم (ص) تمام جنگها را شخصا فرماندهی می کرد. (عیاشی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۶۱)

در این آیه خداوند شخص پیامبر را امر به جهاد می کند و از آن رو که ممکن است با گذشت زمان ایمان برخی از مسلمانان به ضعف گراید و اطاعت از دستورات خداوند بر ایشان مشکل گردد از پیامبر می خواهد، مومنان را نیز به جهاد فرا بخواند تا

به واسطه آن ایمانشان تقویت شود. بنی اسرائیل به دلیل سستی ایمانشان به حضرت موسی گفتند: «قَالُوا يَمُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَتَلْنَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (مائده / ۲۴) (بنی اسرائیل) گفتند: «ای موسی! تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همین جا نشسته ایم!»

بعضی از مسلمانان نیز همانند بنی اسرائیل در مواقعی نسبت به همراهی با پیامبر

(ص) از خود بی میلی نشان می دادند

«كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ» (انفال/ ۵)
 همان‌گونه که خدا تو را بحق از خانه (به سوی میدان بدر)، بیرون فرستاد، در حالی که
 گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند (ولی سرانجامش پیروزی بود! ناخشنودی عده‌ای از
 چگونگی تقسیم غنایم بدر نیز چنین است)»

در غزوه بدر بیش از ده نفر از رزمندگان از جمله خلفاء اول و دوم در پاسخ به
 این سوال پیامبر که از میان غنیمت و جنگ کدام یک را می پسندید گفتند «العیر یا رسول
 الله» ولی سعد بن عبادہ گفت: ما از کسانی نیستیم که به موسی (ع) گفتند: «فَاذْهَبْ أَنْتَ
 وَرَبُّكَ فَقتلَا إِنَّا ههنا قَاعِدُونَ» (مائده/ ۲۴)

شاهد در آیه مورد استدلال (عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفَ بِأَسِ الَّذِينَ كَفَرُوا) (نساء/ ۸۴) است،
 یعنی امید است در سایه جهاد، خداوند که داری قدرت حقیقی است، قدرت پوشالی
 کفار را در برابر مسلمانان کاهش دهد، از آیه استفاده می شود که هدف از جهاد
 تضعیف قدرت کفار در مقایسه با قدرت مسلمانان است نه نابودی آنها چرا که فرموده
 «أَنْ يَكْفَ بِأَسِ الَّذِينَ كَفَرُوا»

در سوره انفال نیز خداوند به مسلمانان دستور می دهد تا جایی که می توانند
 قدرت خود را افزایش دهند، اما نه برای نابود کردن کفار، بلکه برای ترساندن دشمنان
 خدا و مسلمانان و ایجاد ترس در دل منافقان: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ
 الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِّنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ
 شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال/ ۶۰) «هر نیرویی در قدرت دارید،
 برای مقابله با آنها [= دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان
 نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه

دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد!»

اعداد به معنای آماده کردن چیزی برای دست یافتن به چیزی دیگر است و مراد از (قوه) در جنگ، هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان پذیر باشد مانند انواع سلاح ها، مردان جنگی مجرب و کار آزموده، سازمان و تشکیلات نظامی. جمله «و اعدوا لهم...» امر عامی است به مومنان که تا آنجا که توان و استطاعت دارند، تدارکات و قوای جنگی مورد نیاز برای مقابله با دشمنان را فراهم کنند. (قوه) در روایات به سلاح، شمشیر و سپر، خضاب کردن محاسن با رنگ سیاه و تیر اندازی تفسیر شده است که از باب بیان مصادیق آن است (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۹، ص ۱۱۴-۱۳۱-۱۳۰). از این رو (قوه) واژه عامی است که آموزش فنون نظامی و تجهیزات مدرن هر عصر و نیروهای مادی و معنوی را شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۲۲۲)

صاحب تفسیر المنار در این مورد می‌نویسد: «به نص این آیه، امروزه نیز بر مسلمانان واجب است به ساخت انواع تجهیزات نظامی مانند تفنگ، توپ، جنگنده، کشتی جنگی و زیر دریایی همت گمارند و فنون و صنعت‌هایی را که ساخت این تجهیزات بر آنها متوقف است، بیاموزند». (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ۶۲)

همچنین باید دقت داشت که جمله «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» در مقام تعلیل جمله «و اعدوا لهم...» است، بدین معنا که آنچه در توان دارید، نیرو و اسباب جنگی آماده کنید تا به وسیله آنها، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید و به وحشت اندازید. (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۹، ص ۱۱۶)، به سخن دیگر، هدف از وجوب آمادگی و افزایش توان رزمی، کشتار مردم، ویرانی آبادی‌ها، تصاحب اموال و سرزمین‌ها و

استعمار نیست، بلکه ترساندن دشمن خدا و دشمن خود است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۲۲۵).

بنابراین وحشت دشمن از توان نظامی مستلزم این است که آنان بر توان نظامی اهل ایمان آگاه شوند؛ بنابراین، مسلمانان باید توان خویش را به گونه ای به آنان بنمایانند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۵۴۲).

۱۰. هدف اصلی جهاد پیمودن راه خدا

قرآن می فرماید: « وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ » (بقره / ۱۹۰) «و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید»

در این آیه، قرآن دستور مقاتله و مبارزه با کسانی که شمشیر به روی مسلمانان می کشند صادر کرده و به آنان اجازه داده است که برای خاموش ساختن دشمنان دست به اسلحه ببرند و به تعبیر دیگر دوران صبر و شکیبایی مسلمانان تمام شده بود و به قدر کافی قوت و قدرت پیدا کرده بودند که با شجاعت و صراحت، از خود و حقوق خویش دفاع کنند.

سبیل الله همان راهی است که شهدای مدافع حرم طی نموده اند و تعبیر به فی سبیل الله، هدف اصلی جنگهای اسلامی را روشن می سازد که جنگ در منطق اسلام هرگز به خاطر انتقام جویی یا جاه طلبی یا کشورگشایی یا بدست آوردن غنائم و اشغال سرزمینهای دیگران نیست.

اسلام همه اینها را محکوم می کند و می گوید: سلاح بدست گرفتن و به جهاد پرداختن فقط باید در راه خدا و برای گسترش قوانین الهی و بسط توحید و عدالت و دفاع از حق و ریشه کن ساختن ظلم و فساد و تباهی باشد.

همین نکته است که جنگهای اسلامی را از تمام جنگهایی که در جهان روی می دهد جدا می سازد و نیز همین هدف، در تمام ابعاد جنگ اثر می گذارد و کمیت و کیفیت جنگ، نوع سلاح، چگونگی رفتار با اسیران را به رنگ فی سبیل الله در می آورد. سبیل به گفته راغب در مفردات در اصل به معنی راهی است که پیمودن آن آسان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ذیل واژه) و بعضی آن را منحصرأ به معنی راه حق تفسیر کرده اند، ولی با توجه به اینکه این واژه در قرآن مجید، هم به راههای حق و هم به راههای باطل اطلاق شده، شاید منظورشان این باشد که از قرائن، حق بودن آن را استفاده کرده اند.

شک نیست که پیمودن راه خدا «سبیل الله» یا به تعبیر دیگر راه دین و آیین او، با تمام مشکلاتی که دارد، چون موافق روح و جان افراد با ایمان است، کاری است آسان و گوارا، به همین دلیل مؤمنان داوطلبانه و آشکارا، از آن استقبال می کنند، هر چند سرانجامش شهادت باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۹).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه شریفه فوق چنین می نویسند: «قید «فی سبیل الله» بیانگر آن است که هدف پیکار گران و جهادگران مومن از جهاد و دفاع باید اقامه دین و اعلائی کلمه توحید باشد. چنین جهادی عبادت است و باید با نیت کسب رضای الهی و تقرب به خداوند متعال انجام گیرد، نه استیلائی بر اموال و ناموس مردم». (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۶۱)

لذا با دقت در آیه مبارکه مورد بحث در می یابیم که در جنگ و جهاد هدف باید فقط خدا باشد، نه هوس ها، تعصب ها، غنائم، ریا و... بلکه حتی در دفاع از حق طبیعی خود، باید خدا را در نظر گرفت با آنکه آنان جنگ را علیه شما آغاز کردند و شما باید

دفاع کنید، ولی باز هم جهاد باید «فی سبیل الله» باشد. لذا پیامبر گرامی اسلام می فرماید: أحب الاعمال الى الله الصلاة لوقتها ثم بر الوالدین ثم الجهاد فی سبیل الله (احمدیان، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸، ح ۱۵۴۸)؛ دوست داشتنی ترین کار نزد خدا نماز به وقت است و سپس نیکی به والدین و سپس جهاد در راه خداوند.

و یا اینکه فرمودند: «إن افضل عمل المؤمن الجهاد فی سبیل الله (احمدیان، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸، ح ۱۵۵۳)؛ بهترین کار مؤمن، جهاد در راه خدا است.».

نتیجه

به طور خلاصه می توان مهم ترین مبانی اعتقادی شهدای مدافع حرم را به صورت ذیل بر شمرد: تحقق حاکمیت الهی؛ دفاع از حق بندگی خداوند، رستگار شدن در بارگاه الهی، دعوت به بندگی خداوند و دفع موانع تبلیغ دین الهی، کمک به مستضعفان زیر سلطه کفار، پیمان شکنی کفار، دفاع از پایگاه های توحید و بندگی خدا، دفاع از جان و و سرزمین و اموال مظلومان، قدرتمند شدن اسلام در برابر دشمنان داخلی و خارجی، هدف اصلی جهاد پیمودن راه خدا جهاد برای بدست آمدن آثار و فواید آن.

منابع:

- قرآن مجید، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۲ ش.
- ابن عابدین، ردّ المحتار علی الدرّ المختار، بیروت، دار الصادر، ۱۴۰۷ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح محمد عبدالوهاب و محمد صادق العبدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
- احمدیان، ابراهیم، ترجمه نهج الفصاحه، قم، انتشارات بوستان کتاب ۱۳۸۵ ش.
- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- بروجردی، مرتضی، مستندالعروه الوثقی: تقریرات درس آیت الله خویی، قم، لطفی، ۱۳۶۷ش.
- تقی زاده اکبری، علی، جهاد در آینه قرآن، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۷ش.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، چاپ اول، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۴ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، کتابچی، چاپ دهم، ۱۳۸۶ش.
- حویزی عروسی، علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق علی عاشور، بیروت، موسسه التاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹ش.
- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، امیر المومنین، چاپ سوم، ۱۳۹۱ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۶ق.

رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم، معروف به تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۴ ق.

زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

شیخ صدوق، علی بن محمد بن بابویه قمی، امالی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ ق.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ش.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.

عبدالرحمان، محمد، قاهره، دارالفضیله، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، نوید اسلام، ۱۳۹۲ ش.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، قم، ذوی القربی، ۱۳۹۵ ش

فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۳ ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.

فیض کاشانی، ملا محسن، الصافی فی تفسیر القرآن، تهران، المكتبه الاسلامیه، چ ۶، ۱۳۶۲ ش.

قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ ششم، ۱۳۸۷ ش.

قربانی لاهیجی، زین العابدین، تفسیر جامع آیات الاحکام، جهاد و دفاع، تهران: نشر سایه، ۱۳۷۸ ش.

قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۶، ۱۴۱۲ق.
 کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
 محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم: دار
 الحدیث، ۱۳۷۷ ش.

مصباح یزدی، محمد تقی، جنگ و جهاد از منظر قرآن، قم، موسسه آموزشی
 پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول ۱۳۸۳ ش.

مطهری، مرتضی، جهاد، تهران: صدرا، ۱۳۷۰ ش.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۷۲ ش.

معلوف، اویس، ترجمه المنجد، مصطفی رحیم نیا، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات
 صبا، ۱۳۸۰.

مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن (تفسیر موضوعی)، ناشر مطبوعاتی هدف، ۱۳۷۴
 ش.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، به قلم جمعی از نویسندگان، تهران، دارالکتب
 الاسلامیه، چاپ بیست و دوم، ۱۳۷۷ ش.

موسوی سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم، دفتر
 آیت الله سبزواری، ۱۳۷۵ ش.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول،
 ۱۳۷۱ ش.